

خبرگزاری خراسانی

یک‌شنبه
۱۹ آذر ۱۳۹۶
۲۱ ربیع الاول ۱۴۳۹
۸ صفحه/ شماره ۳۷۳۲

حکمت روز
امام صادق(ع)

در آسمان دوفرشته‌بربندگان گماشته‌شده‌اند پس هر کس برای خدا تواضع کند، او را بالا ببرد و هر کس تکبر ورز داورا پست گردانند.

کافی (ط -الاسلامیه) ج ۲، ص ۱۲۲، ح ۲

مناجات
خواجہ عبدا... انصاری

الهی!

آن روز کجا باز یابم که تو مرا بودی و من نبودم
تا به آن روز ترسم میان آتش و دودم

اگر به دو گیتی آن روز را باز یابم بر سودم
اگر بود خود را در یابم به نبود خود خشنودم.

با شاعران



مشهد

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی



محمد شیری، بازیگر گفت: تلویزیون و سینما ناگهان دچار تب دماغ‌های عمل شده و چشم‌رنگی‌ها شد و قصه‌ها به سمت داستان‌های عاشقانه رفت. در هر صورت من از این شرایط ناراضی و خیلی وقت است که کار نکردم. بازیگر «جایزه بزرگ» در پاسخ به این که آیا در این مدت پیشنهاد کاری نداشته است گفت: اگر هم پیشنهادی باشد یا پول‌مان را نصفه ونیمه می‌دهند یا اصلا نمی‌دهند. متأسفانه بی‌اخلاقی‌های زیادی در جامعه هنری رسوخ کرده است. من بعد از چند سال برای یک سرپال ایپزودیک انتخاب شدم که به زندگی از نو، نام دارد و قرار است در شمال کشور در تالش تصویربرداری شود ولی هنوز مقابل دوربین نرفته‌ایم.

کالا	قیمت(تومان)	واحد	کالا	قیمت(تومان)	واحد
گوجه‌فرنگی	۳۵۰۰	کیلو گرم	برنج پاکستانی درجه یک	۷۲۰۰	کیلو گرم
سیب زمینی	۱۶۰۰	کیلو گرم	روغن مایع	۵۲۰۰	بطری ۸۱۰ گرمی
پیاز زرد	۲۰۰۰	کیلو گرم	مرغ گرم	۶۵۰۰	کیلو گرم
عدس کانادایی	۵۷۰۰	کیلو گرم	گوشت گوسفندی (لاشه)	۳۴۵۰۰	کیلو گرم
لوبیا قرمز	۷۳۰۰	کیلو گرم	گوشت گوسفندی (ران بی چربی)	۴۵۵۰۰	کیلو گرم
روغن نباتی جامد	۳۳۵۰۰	حلب ۵ کیلویی			

مشهد	۲۷- ۹+
تایباد	۱۷- ۱۵+
تربت جام	۲۷- ۱۴+
تربت حیدریه	۶۷- ۸+
درگز	۱۷- ۶+
سبزوار	۱۷- ۸+
قوچان	۷۷- ۳+
نیشابور	۷۷- ۸+

روز نامه خراسان رضوی: صاحب امتیاز:موسسه فرهنگی هنری خراسان مدیر مسئول: محمد سعید احدیان سردبیر: سیدعلی علوی	دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهیدصادقی صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵ تلفن: ۵۱-۲۷۶۲۴۰۰	نمابر دبیر خانه: ۵۱۳۷۶۲۴۳۹۰۵ پذیرش آگهی و اشتراک: ۵۱۳۷۰۱۰ پیامک: ۲۰۰۹۹۹	چاپ:مشهد: شهر چاپ خراسان روابط عمومی: ۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱ نامبر تحریریه: ۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱
---	--	---	--

آدم ها، قصه ها
ملیحه رفیع طلب

مروری بر بیش از ۷ دهه زندگی «هماز نجانی زاده» در یک گفت وگوی صمیمی

امیدهای همای جامعه شناسی ایران



دانشجویی از آن قیمت استفاده کردم و همین هم فصل مشترک من با دکتر عطاء... بهروز اقدام (همسرم) بود که منجر به آشنایی و ادواج ما شد. گرهر سوری مشکلی‌اش را زیر چانه محکم می‌کند، نفسی عمیق می‌کشد و می‌گوید: باور دارم از دواج یعنی قبول دیگری، آن‌چنان که هست و با همه قوت‌ها و ضعف‌هایش. دوباره هر می‌گردد به مسیر روایت زندگی و اضافه می‌کند: به هنگام دفاع از پایان‌نامه‌ام منتظر تولد اولین فرزندم بودم و پس از دو ماه از زایمانم در اسفند ۱۳۵۲ در حالی که در یک دستم‌تردکت‌ری بودو در دست‌دیگرم کالسکه‌کودکم، به ایران بازگشتم.

● **سخت‌گیری می‌کنم، چون شاگردانم را دوست دارم**
زنجانی‌زاده سال ۵۴، به عنوان استاد جامعه‌شناسی به استخدام دانشگاه فردوسی مشهد در می‌آید، در همه این سال‌هایی که در کسوت استادی که به کار مشغول است، تحولات مثبتی را در این دانشگاه و در رشته‌اش رقم می‌زند. عضویت در شورای نظارت و ارزیابی آموزش دانشگاه و مرکز پژوهشی مطالعات اجتماعی خراسان رضوی و همچنین سردبیری مجله علوم اجتماعی، بخشی دیگر از مسئولیت‌های او در این دوران بوده است. وی تنها در عضویت مؤسس انجمن جامعه‌شناسی ایران است که در سال ۱۳۷۰ به همت توسعه‌ای از استادان ایجاد می‌شود. به اذعان شاگرد دانش استادی سخت‌گیر و جدی است، خودش اما در خصوص عادت‌های تدریسش چنین می‌گوید: سخت‌گیری می‌کنم، چون شاگردانم را دوست دارم. می‌خواهم که آن‌ها جامعه‌شناسان برجسته‌ای شوند. در این عرصه موفق بودم، یعنی شاگردانم اکنون صاحب کرسی‌های مسئولیت دولتی یا استاد دانشگاه هستند، البته تا حالا از بین‌شان کسی وزیر نشده است. (با خنده)

● **توسعه هیچ‌وقت به نفع زنان تمام‌نشد**
او مقالات متعددی در حمایت از جامعه‌زنان و نیازهای آنان دارد اما مجدانه بر این باور است که: «توسعه هیچ‌وقت به نفع زنان تمام‌نشد و به همین دلیل سیاست‌های توسعه‌زیرسوال رفت. ممکن است یک کنشگر اجتماعی فعالیت‌های فراوانی صورت دهد اما همیشه همه به اهداف خود نمی‌رسد و به عبارتی درگیر با شرایط طبقاتی، جنسیتی و قومی است. اما می‌خواهم این را بگویم که هر گاه به عنوان کنشگر یا مشکلائی مواجه‌شدم که ساختار برابرم فراهم می‌کرد، دانه‌نمید نمی‌شدم. شاید این محدودیت‌بشارت‌راه رستگاری نیز باشد. »

● **معلم باید دلپره داشته‌باشد**
این استاد برجسته جامعه‌شناسی بر این باور است که: «اگر دروس جامعه‌شناسی به خوبی تدریس شوند، آینده دانشجویان روشن خواهد بود، اما نباید فقط به جزوه‌ها اکتفا کرد. یک جامعه‌شناس باید در آینه نگاه و خود را ارزیابی کند و اگر به واقع در آینه یک جامعه‌شناس را دید خود را باور کند.» او عاشق معلمی است، باور دارد حرفه‌ای از این شیرین‌تر وجود ندارد. البته اگر آن را دوست‌بداری؟ «معلم نباید سرخ‌شوش و بی‌خیال سر کلاس حاضر شود. او باید نگران باشد از چشمانی که مراقب او هستند و منتظر تا برایشان از چیزهایی نوبگویند. من در تمام ۴۰ سال‌دوران تدریسم با دلپره سر کلاس درس حاضر می‌شدم چون حس می‌کردم که دو چشم‌برقم را پر اقییم هستند، او بهترین دانشجویانش را آن‌هایی می‌داند که با آگاهی و منطق با استادشان مخالفت می‌کنند و مشتاق مباحثه و کنکاش هستند.

● **آرزوهای‌هما**
چهار ساعتی می‌شود که مهمان این استاد هستیم و او برای ما از انبوهی خاطره می‌گوید. نفس‌گرم و بیان شیرینش، آمی‌درا محجوب می‌کند. برایمان از دودخترش تعریف می‌کند که رشته‌او را به دلیل گرفتاری‌هایش دوست‌ندارد و می‌گوید: جامعه‌شناسی، تو را از ما گرفته است. جایی‌هم از توان‌زن‌های می‌گوید که اگر غم‌کنند، آسمان را جای‌زمین خواهند‌نشان. تعریف می‌کند که چطور در این سال‌ها فقط چهار ساعت در شبانه‌روزی می‌خواید تا بتواند از لحظه لحظه‌هایش برای رسیدن به آن‌چه می‌خواسته بهره‌بگیرد؟ «همواره بین کار فوری ویدی خانه‌آشتی برقرار کرده‌ام هر وقت از فکر کردن و مقالة نوشتن خسته می‌شدم به کار خا می‌پرداختم.» میانه حرف‌هایمان گاهی هم نقبی می‌زند به گذشته و یاد می‌کند از روزنامه خراسان‌هایی که پدرش برای او به‌بهای دوزیال می‌خریده و این که اصلا این‌او بوده که اولین جدول‌های کلمات متقاطع این روزنامه را طراحی کرده است. او عاشق عکس و عکاسی است. این را از پدر به ارث برده است و حالا به دلیل این علاقه هر کدام از فرزندانش ۱۲ آلبوم عکس دارند. جایی میان حرف‌ها و خاطراتش می‌گوید: تنها جایی که برابری را حس کردم، در جوار خانه خدا و موقع طواف بود.

● **تعریفی از فرزند خوب**
زنجانی‌زاده، ۴۴۰ پایان‌نامه‌اش را به موزه آستان قدس رضوی اهدا کرده است و آرزو دارد که شاگردان توانمندش، قله‌های آرزویشان را فتح کنند. می‌پرسم: آرزویی هم برای خودتان دارید؟ لیخندی می‌زند و می‌گوید: در جوانی آرزوهای زیادی داشتم اما گذر ایام باعث شد تا این آرزوها سمت جامعه‌ام و مردمانش سوق یابد. دوست دارم جوان‌های امروز زمینه‌بهتری برای رشد پیدا کنند. با صدا بی‌ارام‌تر و کلماتی شمرده‌تر می‌گوید: به هرآن‌چه که می‌خواستم رسیده‌ام اما کمی خستادم. در این سن آرزوهایم مختص به خودم نیست. از کسی که در این سن است باید پرسید آرزوهایت برآورده شده یا نه؟ عاشق نوه‌هایش است، با لیخند فیلم‌هایی از شیرین‌بانی‌آن‌ها نشانمان می‌دهد. بی‌مقدمه می‌گوید: رفیغم از فرزند خود این‌جاست که برای پدر و مادرش مسئله ایجاد نکند. لزومی ندارد برای آن‌ها زحمتی مضاعف متقبل شود. تا در خروج همه‌ای‌مان می‌کند، می‌گوید در این چند ساعت حس خوب روزهای تدریس برایش زنده شد. موقع خداحافظی دستش را سمت چپ سینه می‌گذارد و می‌گوید: از مصیبت قلب برای همه بهترین‌ها را آرزو می‌کنم.